

از حکم 613 تورات تا اورشلیم قفقاز/جراحی نمادسازی صهیونیست ها در جمهوری آذربایجان

نمادسازی صهیونیست ها برای جمهوری آذربایجان با اسم رمز "فاجعه خوجالی"؛ چرا در مساله خوجالی اسرائیل کاسه

داغ تر از آتش شده است؟



به گزارش آران نیوز به نقل از گروه بین الملل آنچ: طی هفته گذشته در آستانه روز 26 فوریه که در جمهوری آذربایجان به عنوان "روز نسل کشی خوجالی" معرفی می شود، صهیونیست ها مراسم های به اصطلاح یادبود برای "قربانیان خوجالی" در فلسطین اشغالی برگزار کرده اند. متولی برگزاری این مراسم ها، سازمانی صهیونیستی به نام "آذیز" AZZ است که این نام از ادغام حروف ابتدایی نام های "آذربایجان" و "اسرائیل" درست شده و به خودی خود از حيله گری صهیونیست ها در سیاست توسعه سرطانی صهیونیسم و تلاش برای جذب شهروندان جمهوری آذربایجان حکایت دارد. در روز 22 فوریه خبرگزاری رسمی آذرتاج جمهوری آذربایجان به نقل از سازمان "آذیز" AZZ از ایجاد پارک یا باغ "خوجالی 613" در "پارک جنگلی رییس جمهوری" اسرائیل خبر داد. در این خبر ایجاد "باغ خوجالی 613" به ابتکار سازمان صهیونیستی "آذیز" در "پارک جنگلی رییس جمهوری" اسرائیل که در سال 2016 از سوی بنیاد ملی "کرن کایمت له اسرائیل" (Keren Kayemet le srael) پایه گذاری شده است، واقعه ای غیرقابل باور توصیف شده است. زیرا، قبل از ایجاد پارک "خوجالی 613" در این باغ موزه صهیونیست ها، هیچ گاه برای غیریهودیان در این باغ موزه صهیونیستی درختی کاشته نشده است. این در واقع متت بزرگی است که صهیونیست ها بر سر جمهوری آذربایجان می گذارند تا بهره برداری های لازم را از آن بکنند. البته، پیش از آن، صهیونیست ها در شهرستان "قبا" جمهوری آذربایجان نخستین موزه یهودیان در جمهوری آذربایجان را دایر کردند و البته، هیچ گونه متتی را نیز از جمهوری آذربایجان در این باره نپذیرفتند و حتی مقامات باکو نیز به مخیله خود راه نداده بودند که در خبررسانی درباره تاسیس نخستین موزه یهودی در جمهوری آذربایجان، متتی بر سر دوستان صهیونیست خود بگذارند. اما، سازمان صهیونیستی "آذیز" AZZ در متت نهادن بر سر جمهوری آذربایجان سنگ تمام گذاشت و اعلام کرد که در چارچوب پویش بین المللی لیلا علی اوا ، دختر رییس جمهوری آذربایجان و معاون "بنیاد حیدرعلی اف" با نام "عدالت برای خوجالی" (Justice for Khojaly) ، "آذیز" و بنیاد ملی کرن کایمت له اسرائیل با حمایت کمیته دولتی امور دیاسپورای جمهوری آذربایجان ، تجمعی را در باغ یا پارک "خوجالی 613" برگزار کرد! و در این تجمع نمایندگان انجمن های اسرائیلی و اصالتا آذربایجانی به یاد قربانیان خوجالی حضور یافتند. مارک افراييموف ، نماینده کنست رژیم صهیونیستی نیز در این مراسم گفته است: 613 قربان، فاجعه خوجالی ، حکم شماره 613 تورات را یادآوری می کند.

رونمای، از مجموعه مقالات "هارای" در اسرائیل ،

در میان سخنرانان صهیونیست، "لئو اسپواک" Lev Spivak، رییس سازمان "آذیز" از تمامی صهیونیست های حاضر در مراسم بخاطر "شریک شدن در درد آذربایجان" تشکر و از کتاب مجموعه مقالات "هارای" (کلیدواژه ای که پان ترکیست ها با هدایت فکری صهیونیست ها در تجمعات خود در کشورهای مختلف از جمله در مناطق آذری نشین ایران نیز سر می دهند) که به این مناسبت منتشر شده ، رونمای، کرد.

پیش از این کلک بازی های سال جاری صهیونیست ها در خصوص مساله خوجالی، برای هدایت فکری این موضوع و جریان سازی آن براساس طرح و نقشه صهیونیست ها، آریه گوت ، رییس نمایندگی "مرکز بین المللی چندفرهنگ گرای باکو" در اسرائیل و مستشار امور فرهنگی رژیم صهیونیستی در دولت جمهوری آذربایجان و پدرش "امیر گوت" رمانی را به نام "آغری" (درد) درباره "فاجعه خوجالی" به زبان عبری نوشته و به زبان آذری ترجمه و منتشر کرده بودند. البته، در رمان "آغری" بیش از آنکه معرفی کشتار اهالی خوجالی در 26 فوریه 1992 به عنوان "نسل کشی" ، موضوع اصلی رمان باشد، موضوع اصلی رمان ، داستان عشقی جوانی صهیونیست است که در سفر به باکو معشوقه ای می یابد و این داستان حول این محور می چرخد که یهودیان شرایطی استثنایی در جمهوری آذربایجان دارند! این همان محور تبلیغاتی است که صهیونیست ها و مقامات دولت "چندفرهنگ گرای" جمهوری آذربایجان در تبلیغات سیاست های داخلی و خارجی بر روی آن

تاکید می کنند. بر همین اساس است که در جمهوری آذربایجان برای نمادسازی به نفع یهودیان و صهیونیست ها، برای فردی در واقع مجهول الهویه به نام "آلبرت آگارونوف" که به عنوان قهرمان ملی یهودی جمهوری آذربایجان و تنها "شهید یهودی جنگ قره باغ" معرفی شده است، مجسمه ای بزرگ نصب شده است و این در حالیست که برای هیچ یک از فرماندهان و جان باختگان واقعی جنگ قره باغ در جمهوری آذربایجان، چنین نمادی نصب نشده است.

مراسم های مینیاتور، از الگو، هلوکاست

تمامی نمادسازی های صهیونیستها در جمهوری آذربایجان بخصوص در ارتباط با مساله خوجالی حکایت از این دارد که صهیونیست ها قصد دارند بستری را فراهم کنند که مساله قره باغ و خوجالی برای ابد به عنوان "زخمی که دائما از آن خون می چکد"، باقی بماند. صهیونیست ها در حالی که برای هیچ قوم و ملتی حقی برای اینکه کشتارهای گسترده ای را که در دوره های مختلف تاریخی علیه آنها واقع شده است، "نسل کشی" بنامند، قایل نیستند، در خصوص کشتار مشکوک 613 تن از اهالی "خوجالی" در اوج جنگ قره باغ در سال 1992، مراسم هایی که مینیاتورگونه هایی از مراسم های هولوکاست هستند، برگزار می کنند تا الگویی کوچک از هولوکاست برای خوجالی ساخته شود.

صهیونیست ها برای اینکه زخم خوجالی و قره باغ برای همیشه تازه و خونین بماند، بیش از شش میلیارد دلار به دولت جمهوری آذربایجان سلاح فروخته اند و در عین حال، اجازه و امکان فنی استفاده از این سلاح ها را برای عملیات جدی برای آزادی قره باغ نمی دهند و در عین حال، همانند آنچه در اوایل آوریل 2016 روی داد صرفا در حد نقض آتش بسی که به کشتار حدود 200 سرباز جمهوری آذربایجان در درگیری اوایل آوریل 2016 منجر شد، برای این سلاح های فروخته شده به جمهوری آذربایجان کارایی تعریف کرده اند. به گونه ای که یک سال پس از آن درگیری مشهور آوریل 2016، در اکتبر 2017 در خبری در روزنامه صهیونیستی معاریو فاش شد مبنی بر اینکه برخی نیروهای ارتش جمهوری آذربایجان قصد استفاده از پهپاد خریداری شده از رژیم صهیونیستی علیه یک واحد نظامی ارمنی را داشتند، اما متخصصان شرکت "Aeronautics Defense Systems" اسرائیل از نشانه گیری این پهپاد علیه نیروهای ارمنی خودداری کردند! پس از شکایت وزارت دفاع جمهوری آذربایجان به وزارت دفاع رژیم صهیونیستی، شرکت Aeronautics Defense Systems توضیح داد: "این شرکت هیچ گاه قابلیت های سلاح های تولیدی خود را بر روی "اهداف جاندار" به نمایش نمی گذارد!" به این ترتیب مشخص شد که رژیم صهیونیستی پهپادهایی را به قیمت گزاف به جمهوری آذربایجان فروخته است که حتی نشانه گیری آنها را نیز به نظامیان جمهوری آذربایجان، ناممکن است و کنترا، کاما، آنها را خود در اختیار دارد.

بنابراین، این سوال همواره مطرح است که رژیم صهیونیستی در چارچوب سیاست خود برای تبدیل جمهوری آذربایجان به پایگاه منطقه ای و انبار تسلیحاتی خود در منطقه حساس قفقاز و حاشیه دریای خزر، مشخصا چه اهدافی را از نمادسازی هایی همچون "فاجعه خوجالی"، "حکم 613 تورات"، معرفی روستای "قرمیز قصبه" جمهوری آذربایجان به عنوان "اورشلیم قفقاز" و معرفی جمهوری آذربایجان به عنوان وارث "امپراطوری قوم یهودی خزر" و ... دنبال می کند و مفاهیمی همچون "چندفرهنگ گرایی" و "نسل کشی خوجالی" چه معنایی در این سیاست رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان دارند؟